

بررسی تطبیقی رشاء و ارتشاء

در فقه و حقوق

راحله سید مرتضی حسینی - فارغ التحصیل
حقوق

چکیده:

رشاء و ارتشاء از جرایمی هستند که در شرع مقدس اسلام، ارتکاب به آنها مذموم و ناپسند است. به طوری که در خصوص آن مقرر داشته است: «الراشی و المرتشی کلاهما فی النار»

رشوه در لغت به معنای وجه یا مالی است که برای ابطال حق و احقاق باطل پرداخت می‌شود. لکن در اصطلاح قانون، قبول وجه یا مالی است که کارکنان دولت یا سایر کارکنان مصرح ماده سه قانون «تشدید مجازات مرتکبین اختلاس - ارتشاء و کلاهبرداری» به سبب انجام وظیفه دریافت می‌کنند.

در این مقاله سعی می‌شود تا عناصر تشکیل دهنده این جرم عمومی و مجازات آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

ارتشاء، مرتشی، رشاء، راشی، مجازات جرم

تعریف جرم ارتشاء و مستندات آن

رشوه اسم مصدر و به معنی کود و

خاشاکی است که کشاورزان برای آماده کردن زمین جهت فلاح و زراعت روی آن می‌پاشند و به معنی مطلق طناب نیز می‌باشد.

وجه مناسبت این معنی با معنای اصطلاحی قانون که مرتکب آن مجرم شناخته می‌شود، در این است که کود زمین را برای زراعت آماده و طناب، دلو را از ته چاه بیرون می‌کشد و رشوه هم مرتشی را برای انجام منظور راشی آماده و مرتشی را به سوی راشی جلب می‌کند.^۱

اما در اصطلاح فقهی رشوه یعنی چیزی که مدعی و مدعی علیه به حاکم پرداخت می‌کنند.

در حقیقت رشوه چیزی است که به قاضی داده می‌شود تا به نفع پرداخت کننده به باطل و بر خلاف حق حکم دهد؛ یا اینکه مال را پرداخت می‌کند تا به نفع او حکم کند، حال چه حق باشد چه باطل؛ یا اینکه مال را بدهد تا راه مخاصمه را به او بیاموزد تا بر

۱) رشوه و اقسام آن، سنه‌امی، مجله کانون و کلاه، سال نهم، شماره ۲، سال ۱۳۳۶، ص ۵۱

خصمش غلبه پیدا کند.

از نظر حقوقی، ارتشاء وجه یا مالی است که رجوع کنندگان به مستخدمان دولت، اعم از قضایی و غیر قضایی برای انجام امری که در وظایف آنهاست، یا خودداری از انجام آن امر می‌پردازند. همچنین اگر یکی از اصحاب دعوا، به قاضی جهت صدور رأی یا اقدام قضایی که در صلاحیت اوست چیزی را تأدیه کند.

در حقوق اسلام مطابق نظر همه فقها و اجماع همه فرق، رشوه دادن و گرفتن حرام است.^۱

علامه حلی در رابطه با رشوه بیان می‌کند: «رشوه دادن و گرفتن حرام است و اگر قاضی فاسق باشد و حکم موافق شرع اسلام ندهد و دهنده رشوه حق داشته باشد و بداند که در صورت دادن رشوه به قاضی فاسق، حکم موافق شرع خواهد کرد، بر دهنده حرجی نیست و قاضی که رشوه گیرد و حکم به حق دهد، عذابش کمتر است از آنکه نگیرد و حکم بر خلاف حکم خدا دهد؛ به هر حال بر قاضی واجب است رشوه که گرفته باز دهد؛ اگرچه به حق حکم کرده باشد.»^۲

دلایل مختلفی در زمینه حرام بودن رشوه در شرع مقدس اسلام بیان شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:^۳

۱- آیه ۱۸۸ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «مال یکدیگر را به ناحق مخورید و کار را به محاکمه قضات

نکشانید که به وسیله رشوه و زور، پاره‌ای مال مردم را بخورید، با این که شما بطلان دعوی خود را می‌دانید.» در این آیه مبارک دادن مال به حکام را جهت گرفتن مال مردم به ناحق، منع کرده است و این ممنوعیت دلالت بر حرمت رشوه می‌کند.

۲- روایات متعددی نیز بر جرم بودن رشوه آمده که اهم آنها عبارتند از:

روایتی از یوسف بن جابر، مبنی بر این که پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ چند دسته از مردم را لعنت نمودند؛ از جمله مردمی که به فقه او نیازمندند و او از مردم برای تعلیم فقه و ارائه آن طلب رشوه می‌کند.

روایتی از پیامبر ﷺ که فرمود: «لعن الله الراشی و المرثی فی الحکم».^۴

روایت سماعه که از امام صادق ع نقل می‌کند که ایشان فرمود: «رشوه در حکم کفر به خداست.» همچنین عمار بن مروان از امام صادق ع که فرمود: «و أما الرشاء فی الاحکام یا عمار فهو الکفر بالله العظیم.» که این تأویل دلالت بر حرمت رشوه می‌کند.

ارکان تشکیل دهنده جرم

۱- رکن قانونی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون تعزیرات، قانونگذار احکام مربوط به رشاء و ارتشاء را در مواد ۶۵ الی ۷۰ منظور و مجازات

مرتکب ارتشاء را به انفصال دائم از شغل و شلاق تا ۷۴ ضربه تعیین نموده است. در سال ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید؛ موارد سه و چهار این قانون به جرم ارتشاء اختصاص یافته است.

در ماده ۳ این قانون آمده است: «هر یک از مستخدمان و مأموران دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح^۵ یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مأموران خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به

(۱) شرح لمعه، شهید ثانی، ص ۱۳۹؛ تبصرة المتعلمین، علامه حلی، ص ۷۰۳؛ البسوط، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ الرائز، ابن ادریس، ج ۲، ص ۱۶۶؛ تحریب الوسیله، امام خمینی (ره)، جلد ۴، ص ۸۲؛ امام خمینی (ره) می‌فرماید: «أخذ الرشوة و اعطاؤها حرام».

(۲) تبصرة المتعلمین، ص ۷۰۳؛ تحریب الوسیله، ج ۴، ص ۸۲.

(۳) رشوه، نیازی، فصلنامه سازمان قضایی نیروهای مسلح، ص ۲۱.

(۴) آداب القضاء، ص ۱۵۱.

(۵) در مورد نیروهای مسلح رجوع شود به ماده ۹۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح،

مصوب سال ۱۳۷۱

سازمانهای مزبور می‌باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود.»

مستفاد از ماده فوق الذکر: اولاً - قلمرو ارتشاء از نظر افراد موضوع این قانون نسبت به قوانین سابق، توسعه یافته و بطور کلی به کارکنان سه قوه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی و غیره، تسری یافته است.

ثانیاً - رشوه باید در ارتباط با انجام امری یا عدم انجام امری مربوط به وظایف قانونی مستخدم باشد. مهم نیست که انجام آن خواسته رأشی بر طبق حقانیت و مقررات قانونی بوده یا نبوده باشد.

ثالثاً - سمت مرتشی در مورد افراد و اشخاص عادی غیر موارد مصرح در ماده ۳ مصداق نخواهد داشت؛ به عنوان مثال اگر بنگاه داری یا خریدار تبانی کرده و پولی از او بگیرد تا خانه فروشنده را ارزانتر از قیمت واقعی به او بفروشد، بنگاه‌دار به عنوان مرتشی قابل تعقیب نیست.

نظریه اداره حقوقی وزارت دادگستری در خصوص دریافت وجه

● از نظر حقوقی، ارتشاء

وجه یا مالی است که

رجوع کنندگان به

مستخدمان دولت، اعم از

قضایی و غیر قضایی

برای انجام امری که

در وظایف آنهاست،

یا خودداری از انجام آن امر

می‌پردازند. همچنین اگر

یکی از اصحاب دعوا،

به قاضی جهت صدور رأی

یا اقدام قضایی که

در صلاحیت اوست چیزی

را تأدیه کند.

برای انجام امری در مراجع دولتی توسط غیر کارمند به شرح ذیل است: «چون گیرنده وجه از اشخاص

مذکور در ماده ۳ ق. ت. م. ا. ا. ی.

نمی‌باشد، لذا عمل مشار الیه صرفاً

اخاذی و کلاهبرداری تلقی و منطبق با

ماده یک قانون مذکور می‌باشد.

بنابراین چون مرتکب یعنی

دریافت کننده وجه، مرتشی محسوب

نمی‌شود پرداخت کننده وجه نیز

رأشی تلقی نمی‌گردد و قانوناً پرداخت

کننده وجه قابل مجازات نمی‌باشد.»^۲

رابعاً - این ماده مرتشی را تعریف

نکرده تا معنای رشوه از آن بدست

آید، بلکه کسانی که مرتکب این اعمال شوند، در حکم مرتشی می‌داند.

در سال ۱۳۷۵ با اینکه قانونگذار

در فصل مربوط به «ارتشاء، ربا و

کلاهبرداری» مراد ۵۸۸ الی ۵۹۴ و

اختصاص به امر رشاء و ارتشاء داده،

ولی کماکان مقررات مربوط به «قانون

تشدید مجازات اختلاس، ارتشاء و

کلاهبرداری» به قوت خود باقی است

و آن را معتبر می‌داند.

۲- رکن مادی

سمت مرتشی: اصولاً جرم ارتشاء از

جمله جرایمی است که اختصاص به

کارمندان و مأموران دولتی و یا

صاحبان مقام رسمی دارد. و اگر غیر

کارمند دولت، برای انجام امری در

مراجع دولتی، از شخصی وجهی

دریافت کند، عمل او صرفاً اخاذی و

کلاهبرداری تلقی و منطبق با ماده یک

«قانون تشدید مجازات ارتشاء،

اختلاس و کلاهبرداری» است.^۴

سمت رأشی: قانونگذار در مقررات

ماده ۶۷ قانون مجازات (تعزیرات

۱) کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای

دیوانعالی کشور، بازگیر، ص ۲۳۳

۲) نظریه ۱۳۷۳/۱۰/۲۰۲۰۷/۷۳۲ اداره

حسفری.

۳) کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای

دیوانعالی کشور، ص ۳۰۹-۳۱۰

۴) حقوق کیفری اختصاصی، شامبیانی، ج ۳،

سابق) راشی را مشخص می‌کنند: «هرکس برای اقدام به امری یا امتناع از امری که از وظایف اشخاص مذکور در مادتين ۶۵ و ۶۶ می‌باشد، وجه یا مالی بدهد، راشی محسوب و در صورتی که از مستخدمان دولت باشد، مجازات مرتشی را خواهد داشت و اگر از مستخدمان دولت نباشد، به دو ماه الی یک سال حبس محکوم خواهد شد.»

قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در صدد اصلاح تعریف راشی برآمده و در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که: «هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ (ق.ت.م.ا.ی) مسصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی است.»

به هر ترتیب باید گفت، سمت دهنده وجه یا مال (راشی) اعم است از کارمندان و مستخدمان دولتی و افراد جامعه صرفنظر از شغل و مقام و موقعیت و جنسیت، تفاوتی از حیث اینکه دهننده وجه مستخدم دولت باشد یا نباشد تأثیر در ماهیت امر ندارد.^۱ سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا در جرم ارتشاء مالکیت مال مورد رشوه شرط می‌باشد؟ در پاسخ به نظریه ۱۳۷۳/۴/۱۸۷/۱۵۶۴ اداره حقوقی،

در این باره اشاره می‌شود: «تحقق جرم رشاء یا ارتشاء و مالکیت راشی نسبت به مالی که به عنوان رشوه می‌دهد شرط نیست. و اگر راشی مال مسروقه را هم به عنوان رشوه دهد از مصادیق رشاء می‌باشد.»^۲

موضوع جرم: قانونگذار در ماده (ق.ت.م.ا.ی)، موضوع جرم ارتشاء را محدود به قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال نموده است. و در ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی، ناظر به موردی است که موضوع رشوه، وجه نقد نباشد؛ بلکه مالی باشد که با سند رسمی به کارمند منتقل می‌شود.

فعل مرتکب: پرداخت رشوه باید با انجام دادن یا ترک امری توأم باشد که مربوط به سازمانهای مذکور است. بنابراین عمل مرتکب، فعل مثبت مادی خارجی است که مال یا وجه یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از طرف راشی را در قبال انجام کاری که مربوط به وظایف او و دیگران است، دریافت کند.^۳

بطور کلی باید گفت رکن مادی در جرم ارتشاء بستگی به پرداخت وجهی توسط راشی برای انجام امری یا عدم انجام امری در رابطه با سمت و وظیفه شخص مرتشی داشته و با قبول وجه یا مال و غیره در رابطه با مقاصد مذکور توسط کارمند دولت به محض قبول وجه، در رابطه با وظیفه اداری اش عنصر مادی جرم تحقق یافته است.^۴

حکم شماره ۲۱۷۰ شعبه متین در این مورد چنین می‌باشد: «دادن مبلغی به کارمند دولت به رسم انعام درحالی که کارمند مزبور هیچ نوع مداخله‌ای در کار نداشته بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف او به شمار آید رشوه محسوب نخواهد شد و مشمول مقررات دیگر کیفری نیز نخواهد بود.»^۵

۳- رکن معنوی:

نظر به اینکه رشاء و ارتشاء از جمله جرایم عمدی است، رکن معنوی یا روانی جرم بستگی به نیت، قصد و اراده شخص مرتکب دارد؛ در حقیقت تحقق ارتشاء منوط به این است که کارمند دولت آگاهانه و با قصد سوء استفاده از موقعیت و عنوان دولتی و یا در جهت انجام وظیفه یا عدم انجام وظیفه، وجهی را از راشی دریافت کند؛ به محض دریافت وجه، ارتشاء محقق است.^۶

(۱) همان منبع، ج ۳، ص ۴۴۱-۴۴۲

(۲) مجموعه نظریات اداره حقوقی و زارت

دادگتری، شهری، ج ۲، ص ۴۶۰

(۳) حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، ص ۴۴۶

(۴) کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای

دیوانعالی کشور، ص ۲۳۳-۲۳۴

(۵) مجموعه محضای قانون تعزیرات، کشاورز،

مصرب ۱۳۷۵، ص ۵۰

(۶) کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای

دیوانعالی کشور، ص ۲۳۶

● اصولاً جرم ارتشاء از جمله جرایمی است که اختصاص به کارمندان و مأموران دولتی و یا صاحبان مقام رسمی دارد. و اگر غیر کارمند دولت، برای انجام امری در مراجع دولتی، از شخصی وجهی دریافت کند، عمل او صرفاً اخاذی و کلاهبرداری تلقی و منطبق با ماده یک «قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری» است.

در بررسی رکن معنوی گفتیم که برای تحقق جرم لازمست که عمل مجرمانه (یا عنصر مادی) با قصد ارتکاب جرم (سوء نیت) یا خطای جزایی صورت گرفته باشد، به عبارت دیگر بدون قصد مجرمانه (یا خطای جزایی) جرمی واقع نمی شود. تا اینجا اصولاً مسأله مسؤلیت مطرح نیست و مطلب تنها این است که آیا میان مرتکب عمل مجرمانه، و عمل انجام شده، رابطه‌ای از طریق وجود قصد تحقق پیدا کرده است یا نه؟ در حالی که مسؤلیت یا قابلیت

انتساب، مسأله‌ای است که در مورد شخص مرتکب عمل مجرمانه مطرح می شود و ارتباط مستقیم با جرم انجام شده ندارد. سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که به فرض جمع شدن عناصر تشکیل دهنده جرم، یا مرتکب عمل مجرمانه دارای توانایی و اهلیت لازم بوده است تا بتوان قصد مجرمانه را به او منتسب دانست یا نه، مثل فقدان قصد مجرمانه که در مورد عنصر روان پیش می آید و عوامل مرجعه جرم که عنصر قانونی را زایل می کند) که در این قسمت به عوامل رافع مسؤلیت کیفری به طور خلاصه اشاره‌ای می شود: شرایط مسؤلیت قانونی آن است که اولاً شخص به سن معینی رسیده باشد؛ پس اطفال به خاطر فاقد بودن قدرت شعور و تمیز کامل، معاف از مجازات می باشند. اما سن زیاد را نمی توان از عوامل رافع مسؤلیت دانست. مگر اینکه پیری عملاً به زوال شعور و قدرت تمیز منجر شده باشد که در این صورت باعث رفع مسؤلیت جزایی خواهد بود. ثانیاً به جنون و حالات شبیه به آن مبتلی نباشد. ثالثاً تحت تأثیر اجبار یا عوامل دیگر اراده اش سلب نشده باشد. اجبار به دو صورت امکان پذیر است: اجبار مادی، که به عامل مادی یعنی مقابل ارزیابی داخلی یا خارجی اطلاق می شود که باعث سلب اراده مرتکب جرم می گردد. و اجبار معنوی موقعیت و وضعیتی است که سلب

اراده مرتکب جرم تحت تأثیر عوامل روانی تحقق پیدا می کند. رابعاً مرتکب جرم نسبت به قانون و یا تفسیر آن و عملی که انجام می پذیرد و موضوع آن جهل داشته باشد یا اشتباه کند؛ پس جهل و اشتباه نیز از عوامل رافع مسؤلیت کیفری محسوب می گردند.

به این ترتیب در بحث از عنصر روانی، عوامل رافع مسؤلیت کیفری ذکر شد و در قسمت آخر این مقاله نیز به موارد معافیت راشی می پردازیم.

مجازات جرم رشاء و ارتشاء

مسججات مرتشی: در ماده (۳ق.ت.م.م.ا.ا.ی) میزان مسججات براساس قیمت مال یا وجه گرفته شده توسط مرتشی متغیر بوده و به هر میزانی که مبلغ رشوه افزایش یابد، میزان مسججات مرتکب نیز افزوده خواهد شد.

مجازات راشی: قانونگذار در سال ۱۳۷۵، مسججات راشی را علاوه بر ضبط اموال ناشی از ارتشاء، حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق معین نموده است. (ماده ۵۹۲ ق.م.ا.)

مجازات واسطه بین راشی و مرتشی: طبق ماده ۵۹۳ ق.م.ا، هرکس عالمأ عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء، از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات راشی

بر حسب مورد محکوم می‌شود. شخص موضوع حکم این ماده واسطه بین راشی و مرتشی است که به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.^۱

موارد معافیت راشی از مجازات^۲

معافیت راشی در صورت پرداخت اجباری رشوه جهت حفظ حقوق: این مورد از جمله مواردی است که اکثر فقها پرداخت رشوه را در آن جایز دانسته‌اند.^۳ امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: «اگر رسیدن به حقش بر آن متوقف باشد، برای رشوه دهنده جایز است اما برای گیرنده آن حرام است.»

ماده ۵۹۱ ق. مجازات اسلامی در این مورد چنین مقرر داشته است: «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود، ناچار از دادن وجه یا

مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌شود.» مقررات این ماده زمانی تحقق پیدا می‌کند که دادن رشوه برای حفظ حقوق حقه راشی بوده و این مورد را باید خود راشی ثابت کند.

معافیت راشی مضطر: تبصره ماده ۵۹۲ مقرر داشته است «در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت کند، از مجازات حبس معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.

در مورد این ماده شخص راشی تحت تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت و اگر توانست دلیل و مدرکی دال بر این که مضطر بوده و یا به قصد گرفتار کردن مرتشی اقدام به پرداخت رشوه نموده، ارائه کند و این امر به دادگاه ثابت شود، آن وقت دادگاه ضمن استرداد مال ناشی از ارتشاء، او

را از مجازات حبس از شش ماه تا سه سال معاف خواهد ساخت.

نظریه اداره حقوقی وزارت دادگستری در خصوص برائت راشی و آثار آن:^۴

«در جرم ارتشاء چنانچه متهم به أخذ رشوه به علل غیر مشخص از جرم انتسابی، برائت حاصل کند، محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نمی‌باشد؛ زیرا بین راشی و مرتشی ملازمه وجود دارد و با استعفای یکی، دیگری نیز مستفی می‌شود.»^۵

(۱) ممان منبع، ص ۲۳۷

(۲) حقوق کیفری اختصاصی، ص ۴۵۶-۴۵۹

(۳) تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۸۳؛ شرح لمعه، ص ۱۳۹؛ السرائر، ج ۲، ص ۱۶۶

(۴) نظریه شماره ۸۷۱۱/۱/۲۹-۷/۱۳۷۴ اداره حقوقی

(۵) نظریات اداره حقوقی دادگستری، ص ۴۶۴

منابع:

- تبصرة المتعلمين: علامه حلی، قم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، بی تا
- تحریر الوسیله: امام خمینی (ره)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹
- حقوق کیفری اختصاصی: دکتر هوشنگ شامبیاتی، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۷۷
- الروضة البیضاء (شرح لمعه): شهید ثانی، بی جا، چاپ نهضت، بی تا، ۱۳۷۵
- السرائر: ابن ادریس، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا
- کلاهبردای، اختلاس و ارتشاء در آرای دیوانعالی کشور: یدالله بازیگر، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶
- المبسوط: شیخ انطوائی، ابی جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی، قم، المکتب المرتضویه، بی تا
- مجلة کانون وکلاء (رشوه و اقسام آن): محسن شفاهی، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۳۶
- مجموعه نظریات اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه سایل کیفری: غلامرضا شهری، چاپ روزنامه رسمی، ۱۳۷۳